

مسائل تأمین و وحدت ملی

وتحرك اجتماعى در ایران

ایجاد امکان استفاده از بهترین استعدادهاى انسانى کشور بعنوان با ارزشترین ثروت ملی مهمترین قدمی است که میتوان در راه حصول يك رشد سریع اقتصادی برداشت . در حالت عادى و بدون اتخاذ يك سیاست جدی و پیگیر در این زمینه بهترین استعدادها به بهترین نحو ممکن تربیت نمیشوند .

در بسیاری از کشورها بعلت وجود قالبهاى جامد طبقاتى واجتماعى و سیاسى واختلاف در نژاد ومذهب وغیره انتقال افراد از يك طبقه به طبقه بالاتر مشکل است و استعدادهاى انسانى محکومند در کادر طبقاتى غالباً مادرزادى خویش باقى بمانند .

در اسپانیا استعدادهاى غیر کاتولیک باشکال میتوانند به مقاماتى که در خور آن هستند راه یابند . در هندوستان وجود این اختلافات علی رغم تمام کوششهاى که از زمان مرحوم گاندی تا کنون برای از بین بردن اثرات آن بکاررفته مانع مهمی در راه پرورش و تکامل بهترین استعدادها بشمار میرود حتی در آمریکا بعلت وجود تبعیضات نژادى علی رغم تمام تسهیلاتى که در ایالات شمالی برای سیاه پوستان وجود دارد هنوز امکانات مساوى برای رشد وتوسعه وبهره بردارى از استعدادهاى درخشان سیاه پوستان در تمام زمینههاى علمى وادارى و سیاسى موجود نیست . نتیجه این حالت عدم تحرك اجتماعى حیف ومیل شدن بزرگترین ذخایر ثروت ملی است .

اثر حریف ومیل شدن استعدادهاى انسانى نه تنها کمتر از تبذیر سرمایههاى مادی نیست بلکه در بسیاری از موارد از نظر اقتصادى بر مراتب بیشتر از آن میباشد ولى در بعضى از کشورها آنقدر که از ماشین آلات وساختمانها مراقبت ونگاهداری میشود سرمایههاى انسانى مورد عنایت وتوجه نمیشوند .

در کشور ما خوشبختانه محدودیتهای فوق الذکر وجود ندارد ولى عواملی از نوع دیگر بهر حال موجب عدم تحرك اجتماعى و يك نوع دوگانگى dualism در بین واحدهاى مختلف اجتماعى ما شده است . شناخت این عوامل وكوشش

در برطرف کردن آنها از وظایف اساسی هر دولتی است که دعوی ترقی خواهی دارد .

قبل از اصلاحات ارضی نظام کهنه زمین داری یکی از موانع عمده پرورش و تحرك استعدادها در ایران بود با از بین رفتن این مانع اکنون زمان آن فرا رسیده است که سایر قیود و محدودیتهای موجود مورد بررسی دقیق اجتماعی و اقتصادی قرار گیرند و محور آنها بصورت یکی از هدفهای مهم ملی درآید . بنظر میرسد که مهمترین این محدودیتهای پقرار زیر باشد :

الف - تعدد زبانها و عدم شیوع زبان فارسی بعنوان يك زبان مشترك

ملی در مناطق مختلف کشور و در بین تمام واحدهای اجتماعی .

ب - فقدان فرصت مساوی تحصیل و کار در تمام مناطق کشور و در بین

تمام واحدهای اجتماعی .

ج - کمی فرصت پرورش برای بهترین استعدادهائی که در خانوادههای

بی بضاعت وجود پیدا میکنند .

بدون تردید مسئله اول ارتباط کامل دارد با وجود ایلات و عشایر واقوام مختلفی که از قدیم الایام در این کشور وجود داشته اند و هر یک دارای آداب و رسوم و زبان و روش زندگی خاص خود میباشد این عشایر همواره کوشیده اند استقلال نسبی خویش را حفظ نمایند و در مقابل هر گونه تلاش در زمینه اشاعه زبان و آداب و رسوم دیگر مقاومت نموده اند ولی تاریخ در همه جا نشان داده است که نفوذ و غلبه زبان غنی تر يك امر اجتناب ناپذیر است . منتها هرگز این نفوذ از اقتصاد جدا نبوده است . هر جا که صرفاً هدفهای سیاسی دستاویز اشاعه زبان غنی تر بوده این جریان باشکست مواجه شده است .

هم اکنون در قسمت وسیعی از مناطق جنوبی کشور ما بزبان عربی صحبت میشود . در کردستان بزبان کردی و در آذربایجان بزبان ترکی و در اطراف قزوین بزبان خلیج و خلاصه در هر منطقه ای از کشور بزبانی خاص (صرفاً از لهجه های متنوع محلی) صحبت میکنند .

این چندگانگی زبان نه تنها مانع مهم تحرك اجتماعی است بلکه تا حد زیادی موجب عدم تفاهم مشترك نسبت به آرمانها و هدفهای ملی میگردد . مسلماً توسعه تسهیلات آموزشی در مناطق مرزورسهم بسیار مؤثری در ترویج زبان فارسی بعنوان زبان مشترك ملی خواهد داشت ولی ایجاد وابستگی اقتصادی به زبان فارسی بطور سریعتری به حصول این مقصود کمک خواهد کرد . اگر يك خوزستانی عرب زبان که معمولاً با اعراب آنسوی مرز معامله میکند بتواند از طریق کار در يك سازمان اقتصادی فارسی

زبان مانند يك كارخانه سیمان یا يك دستگاه اداری دولتی وضع مرفه‌تری برای خود بدست آورد بدون شك تمایل پیدا خواهد کرد که هرچه زودتر خود و خانواده‌اش بزبان فارسی تکلم نمایند. بنا براین یکی از قدمهای اساسی در راه توسعه تفاهم مشترك بین واحدهای مختلف اجتماعی ترویج زبان مشترك از طریق ایجاد وابستگی‌ها و علاقه‌های شدید اقتصادی میباشد منظور از ایجاد وابستگی اقتصادی بوجود آوردن يك حالت تسلط نیست بلکه ایجاد امکانات اقتصادی و باصلاح‌طلب‌های توسعه در مناطق مزبور است بنحوی که خود بخود يك نوع علاقه و رابطه مشترك بین دولت مرکزی و مردم این مناطق بوجود آید و مردم منطقه درك کنند که منافع خود و خانواده‌شان ایجاب میکند که زبان فارسی را بخوبی بیاموزند. ضمناً مردم مناطق اعتقاد پیدا میکنند که با دولت معامله عادلانه‌ای خواهند داشت یعنی در مقابل مالیات و سر بازی که میدهند از مزایا و امتیازات مربوط به امنیت - فرهنگ - بهداشت و همچنین سرمایه‌گذار پهای تولیدی دولتی در راه ارتقاء سطح زندگی خود استفاده خواهند نمود. بدین طریق تدریجاً تعصبات خاص ایلی جای خود را به زبان و تفاهم مشترك نسبت به آرمانهای عالی ملی میدهد و امکان آن بوجود می‌آید که بهترین استعدادها در ردور افتاده ترین ایلات کشور کشف گردد و در مقیاس کلی مملکتی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هدف از این کوششها بهیچوجه از بین بردن زبان و آداب و رسوم ایلات و اقوام موجود نخواهد بود. در هر يك از این ایلات ذخایر عظیمی از استعدادهای هنری در زمینه موسیقی و کار دستی و غیره وجود دارد که با سنن و آداب گذشته آنها مربوط است. هدف نهائی آنست که در عین حفظ و پرورش خصوصیات مزبور يك فرهنگ مشترك ملی بوجود آید که سازمان دهنده وحدت معنوی و مادی کلیه واحدهای اجتماعی کشور باشد.

فقدان فرصت مساوی تحصیل و کار برای ساکنین تمام مناطق کشور يك مانع جدی برای بشمر رسیدن بهترین استعدادهای موجود کشور است. میدانیم که در شرایط فعلی این فرصت برای ساکنین تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور از یکطرف و برای ساکنین شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک از طرف دیگر مساوی نیست این امر معلول آنست که اولاً توزیع جغرافیائی تسهیلات دولتی از قبیل تسهیلات فرهنگی و بهداشتی و سایر تسهیلات عام المنفعه مربوط به خدمات عمومی مانند برق و آب و گاز - اسفالت و غیره متعادل نیست و ثانیاً بعلمت فقدان این تسهیلات سرمایه داران کشور از رفتن به مناطق محروم خوداری مینمایند.

بالتیجه روز بروز اختلاف سطح درآمد و فرهنگ بین این نقاط و نقاط پیشرفته‌ای مانند تهران بیشتر میشود و یک حالت دوگانگی بین مردم نواحی مختلف از نظر طرز تلقی هدفهای ملی و چگونگی برداشت مسائل فردی و اجتماعی بوجود میآید که وحدت ملی را بمخاطره میانندازد. مضافاً آنکه بسیاری از استعدادهای

انسانی که ممکن بود در شرایط مناسب رشد و توسعه یافته در مجموع سهمی در ترقی و اعتلای کشور داشته باشند میروند بدیهی است یکی از معیارهای مهم تخصیص اعتبارات عمرانی بین مناطق مختلف کشور آنست که در درجه اول مثلاً امکانات تحصیلات عالی در مناطقی بوجود آید که دارای جمعیت بالنسبه قابل توجه و امکانات فعالیت اقتصادی وسیع داشته باشند. فرضاً ایجاد دانشکده کشاورزی در منطقه‌ای که فاقد آب کافی برای کشاورزی است و بنا بر این استعداد توسعه فعالیتهای کشاورزی را ندارد اشتباه میباشد و یا ایجاد دانشکده فنی در منطقه‌ای که فاقد حتی یک کارخانه است از نظر اقتصادی بصلاح نمیباشد ولی در مقابل این تسهیلات تخصصی میتوان تسهیلات عمومی فرهنگی و بهداشتی و آب آشامیدنی و برق و سوخت و تسهیلات حمل و نقل و غیره را در تمام مناطق کشور بر اساس معیار ضریب اهمیت جمعیت و بدون توجه به اهمیت اقتصادی فعلی مناطق ایجاد نمود. بدینترتیب برای ساکنین همه نقاط فرصت مساوی رشد و توسعه استعدادها و امکانات اقتصادی ناشناخته بوجود خواهد آمد و اختلاف شدید بین سطح زندگی مناطق مختلف کشور تدریجاً کاسته خواهد شد و در مقیاس کشوری یک نوع وحدت فکر و عقیده نسبت به آرمانهای دراز مدت ملی بوجود خواهد آمد.

از اختلاف بین مناطق که بگذریم ملاحظه میشود که حتی در یک منطقه یا شهر نیز فرصت تحصیل و رشد استعدادها برای تمام افراد یکسان نیست بلکه عملاً این امر تابع امکانات مادی و معنوی خانواده‌ای است که فرد در آن بدنیا آمده است. ولی تأمین هدف ملی رشد سریع اقتصادی و اجتماعی ایجاب میکند که بهر قیمت از استعدادهای موجود حداکثر بهره برداری بشود. در این مورد نظام تعلیماتی ما نقش بسیار مهمی برعهده دارد و سهم بخش خصوصی نیز خالی از اهمیت نیست. بایستی:

اولا - در تمام مراحل تحصیلی از متوسطه به بالا بر اساس آزمایشهایی که از هوش و استعداد افراد بعمل میآید امکانات تحصیل و مطالعه مجانی برای کلیه افراد مستعد فراهم شود. خانواده‌های مرفه کاملاً قادرند که هزینه تحصیل فرزندان خود را بپردازند ولی

بودجه فرهنگی که از محل مالیاتها و سایر پرداختی های مردم این مملکت تأمین میشود بایستی در درجه اول بمصرف پرورش درخشانترین استعداد های کشور که گرانبها ترین ذخیره ثروت ملی است برسد .

ثانیاً - مؤسسات تولیدی و مخصوصاً مؤسسات تولیدی خصوصی تشویق شوند برای ادامه تحصیلات در تخصصهایی که کمبود وجود دارد بورسهای به بهترین و با استعداد ترین محصلین مدارس متوسطه و دانشگاهها اعطاء نمایند .

در حال حاضر بسیاری از استعداد های درخشانی که بعلت ضعف مالی خانواده ها قادر بادامه تحصیل نیستند و از طریق صحیح منحرف میشوند و اجتماع ما هرگز قادر نیست حداکثر بهره برداری را از آنها بنماید درحالیکه تکمیل تحصیلات و سوق دادن آنها به فعالیتهای مولد میتواند دهها برابر هزینه تحصیلی ایشان سودعاید اجتماع نماید .

روزیکه سیستم تعلیماتی و اداری ما بصورتی درآید که بتواند بهترین و شایسته ترین مغزها را انتخاب کند و صرفنظر از آنکه از چه خانواده و یا از چه شهر و منطقه ای هستند آنانرا به عالیترین قشر اجتماعی سوق دهد میتوان گفت که تحرك اجتماعی و طبقاتی به حداکثر رسیده یعنی پیشرفت سریع اقتصادی و اجتماعی کجشور تضمین شده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی